

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: توماج

۱۹ مارچ ۲۰۱۱

ضرورت سازماندهی اعتصابات عمومی در ایران

پس از انتخابات فرمایشی ۲۲ خرداد ۸۸، مرحله تازه ای از اعتراضات جوانان و توده های جان به لب رسیده مردم ایران شکل گرفت. از ویژگی های بارز این دوره از مبارزات مردم، حضور علنی اقشار مختلف توده های سرکوب شده در سطح خیابان های تهران و دیگر شهرهای بزرگ کشور بود. طی چند ماه، ملیون ها انسان سرکوب شده و محروم از همه آزادی های فردی و اجتماعی در روز های معینی به خیابان ها آمدند و با سر دادن شعار مرگ بر دیکتاتور خشم فرو خورده سی ساله شان را به نمایش گذاشتند. در طی مبارزات خیابانی توده های ملیونی علیه رژیم مذهبی و ارتجاعی حاکم بر ایران، نیروهای آدم کش جمهوری اسلامی از هیچ جنایتی فروگذار نکردند. توده های معترض به شدیدترین وجه ممکن مورد یورش نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار گرفتند. تعدادی از معترضان، در خیابان ها با حمله موتورسواران و شلیک گلوله مزدوران جمهوری اسلامی کشته شدند، هزاران تن دستگیر، تعدادی از این دستگیر شدگان، زیر شکنجه و تجاوز پاسداران و بازجویان حیوان صفت خامنه ای به قتل رسیدند و صدها تن دیگر را نیز تحت شکنجه های طاقت فرسا به اعترافات دروغین تلویزیونی واداشتند، تا شاید بتوانند جنبش اعتراضی جوانان و توده های ستم دیده را به خاموشی بکشانند.

به رغم اینهمه سرکوبگری، بگیر و ببند، شکنجه، تجاوز و کشتارهای خیابانی، اما ایستادگی، مقاومت و حضور خیابانی مردم بسیار ستودنی و قابل تقدیر بود. همین حضور خیابانی و مقاومت جانانه توده های خشمگین بود که بحران سیاسی جمهوری اسلامی را ژرف تر ساخت، شکاف و چند دستگی را در درون هیأت حاکمه دامن زد و به بحران جدی در قدرت حاکم انجامید. بحرانی که هر روز ابعاد بیشتری یافت تا جایی که هم اکنون تمام تار و پود حکومت مذهبی حاکم بر ایران را فرا گرفته است.

اگرچه جسارت توده ها و به طور اخص مقاومت جوانان و زنان معترض در اعتراضات خیابانی شگفتی جهانیان را برانگیخت اما، با وجود این، جنبش اعتراضی مردم ایران به دلیل عدم توازن قواء و عدم حضور متشکل کارگران در اعتراضات عمومی توده ها، به ناچار در مقابل وحشی گری های جمهوری اسلامی از تداوم اعتراضات خیابانی بازماند و مجبور به عقب نشینی موقت شد.

پس از یک دوره کوتاه، جوانان و توده‌هایی که موقتا اعتراضات خیابانی را ترک کرده بودند، هم اکنون مجدداً به خیابان‌ها بازگشته‌اند. شکل‌گیری دوباره اعتراضات خیابانی مردم در روز ۲۵ دلو [بهمن] ۸۹، شور و شوق تازه‌ای را در بطن جامعه ایجاد کرده است. دور جدید مبارزات خیابانی جوانان و توده‌های مردم ایران در شرایطی شکل گرفته است که طی دو ماه گذشته، شاهد موج گسترده انقلابات و تحولات سیاسی در کشورهای شمال آفریقا و منطقه خاورمیانه هستیم. از یک طرف، دیکتاتورهای نظیر بن علی و مبارک از قدرت ساقط شده‌اند، و از طرف دیگر حاکمان کشورهای نظیر یمن، الجزایر، بحرین و هم‌اکنون لیبی با اعتراضات و جنبش‌های روبه‌رشد توده‌ئی مواجه هستند.

وضعیت به وجود آمده و به خصوص پیروزی زود هنگام توده‌های تونس و مصر در ساقط کردن دیکتاتورهای کشورشان، به رغم اینکه امید و تحرک جدیدی را در میان جوانان و توده‌های مردم ایران ایجاد کرده است، اما این سؤال را در برابر همگان قرار داده است که چرا توده‌های مردم مصر و تونس، طی کمتر از یک ماه مبارزات خیابانی قادر شدند مبارک را از قدرت ساقط و بن علی را از کشور فراری دهند اما، مبارزات خیابانی توده‌های مردم ایران، با آنهمه جانفشانی از دستیابی به چنین امری باز مانده است؟

هم‌اکنون، جوانان و انبوه توده‌های مردم ایران از خود می‌پرسند تا چه مدت می‌باید در خیابان‌ها حضور یابند، مورد ضرب و شتم واقع گردند، کشته شوند، به زندان بیفتند، خطر شکنجه و تجاوز را به جان بخرند تا بتوانند رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را از اریکه قدرت به زیر بکشند؟ چه باید کرد تا اینبار نیز پس از چند ماه اعتراضات خیابانی و دادن هزینه‌های گزاف مجبور به عقب‌نشینی نشوند؟ آیا اساساً تنها با اتکاء به اعتراضات خیابانی می‌توان به پیروزی دست یافت؟ یا برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی در کنار اعتراضات وسیع خیابانی می‌بایست از تاکتیک‌ها و شیوه‌های موثرتر مبارزاتی نیز سود جست؟

واقعیت این است که جمهوری اسلامی برای خاموش کردن اعتراضات خیابانی مردم، با تمام نیرو و ابزارهای سرکوبگری‌اش به میدان آمده است. طبیعتاً به کارگیری این میزان از انواع رنگارنگ نیروهای سرکوب و گسیل کردنشان در خیابان‌ها، نه تنها نشانه اقتدار رژیم نیست بلکه، دقیقاً تصویر روشنی از سراسیمگی جمهوری اسلامی و وحشت سران آن از سقوط و سرنگونی نظام ارتجاعی حاکم بر ایران است.

اگر چه اعتراضات خیابانی جوانان و توده‌های وسیع مردم ایران تا این لحظه اقتدار و هیمنه رژیم را در هم شکسته است، اما تا زمانی که توازن قواء به نفع نیروهای انقلاب و توده‌های معترض مردم برهم نخورد، سران جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگرش ترجیح می‌دهند با سرکوب عریان و قرق کردن خیابان‌های تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران، اقتدار پوشالی‌شان را همچنان به نمایش بگذارند. مضافاً اینکه، محدود شدن مبارزات عمومی توده‌های مردم در سطح کنونی و عدم گسترش آن به دیگر حوزه‌های مبارزاتی، نیروهای امنیتی رژیم را بر آن می‌دارد تا جهت شکستن روحیه مبارزاتی جوانان و توده‌های مردم، کشتار و خشونت باز هم بیشتری را در گستره مبارزات خیابانی اعمال کنند. علاوه بر این، توده‌های معترض ایران، بدون سازمان‌یابی، بدون داشتن یک آلترناتیو و رهبری انقلابی یقیناً نمی‌توانند در دراز مدت و به صورت گسترده در اعتراضات خیابانی حضور یابند. اعتراضاتی که بدون حضور مستقل جنبش‌های اجتماعی از جمله حضور موثر و پر قدرت طبقه کارگر ایران، هزینه‌های سنگینی را نیز برای توده‌های معترض به همراه دارد. لذا، پیش از آنکه جوانان و توده‌های مردم از حضور اعتراضی در خیابان‌ها خسته شوند، پیش از آنکه شور و امید مبارزاتی‌شان دوباره فروکش کند، پیش از

آنکه هزینه اعتراضات خیابانی مردم بیشتر و بیشتر گردد، می باید همزمان و هم گام با اعتراضات خیابانی به امر سازماندهی دیگر اشکال مبارزاتی از جمله اعتصابات عمومی روی آورد.

طبیعتاً در وضعیت کنونی، منظور از اعتصابات عمومی، صرفاً اعتصابات عمومی سیاسی نیست. حتا تأکید خاصی هم، فقط و فقط روی اعتصابات عمومی کارگران نیست. در این برهه زمانی و در این سطح از مبارزات جاری توده های مردم، لزوم سازماندهی اعتصابات عمومی در عرصه های مختلف اجتماعی به یکی از ملزومات گسترش و تعمیق جنبش اعتراضی توده های مردم ایران تبدیل شده است.

در کنار اعتراضات خیابانی مردم، سازماندهی اعتراضات و اعتصابات عمومی کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران و دیگر کارکنان مؤسسات دولتی نه تنها حضور خیابانی جوانان و توده های معترض را در عرصه مبارزات سیاسی وسیعتر می کند، نه تنها اتحاد و همدلی مبارزاتی اقشار مختلف اجتماعی را تحکیم می بخشد، نه تنها کلیت جامعه را برای ورود به یک اعتصاب عمومی سیاسی جهت براندازی جمهوری اسلامی مهیا می کند، بلکه علاوه بر این ها، به شریان های اقتصادی رژیم نیز ضربه وارد کرده و منابع تغذیه مالی رژیم را برای تجهیز و گسترش نیروهای سرکوب مسدود می سازد. مضافاً اینکه، سازماندهی اعتصابات عمومی و حضور در این اعتصابات، یقیناً هزینه های به مراتب کمتری نسبت به حضور مستقیم توده ها در اعتراضات خیابانی دارد.

وقتی با توجه به همه ضرب و شتم ها، باتوم خوردن ها، بگیر و ببندها، شکنجه شدن ها و حتا کشته شدن، همچنان با جسارت تحسین برانگیزی در اعتراضات خیابانی حضور می یابیم، چرا برای سازماندهی اعتصابات عمومی در عرصه های مختلف اجتماعی تلاش نکنیم؟ که اتفاقاً هزینه های کمتری هم نسبت به اعتراضات خیابانی دارند. وقتی دولت جمهوری اسلامی در چهارچوب اجرای طرح به اصطلاح هدفمند کردن یارانه ها، سوبسیدها را حذف و هزینه های کمرشکنی را بر توده های ملیونی مردم تحمیل کرده است، چرا با عدم پرداخت فیش های آب، برق و گاز به صورت همگانی، خود را برای یک جنبش اعتراضی عمومی سازماندهی نکنیم؟

اعتراضات خیابانی توده های مردم، با طرح شعار محوری مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای به عنوان خواست عموم توده های مردم ایران، به درستی سرنگونی نظام ارتجاعی حاکم بر ایران را هدف گرفته است. اما آنچه مسلم است، توده های معترض ایران در لحظه موجود، نیاز مبرم به اعتماد به نفس بیشتر و حس پیروزی بر سران جمهوری اسلامی دارند. در مقطع کنونی، واداشتن رژیم به عقب نشینی برای تن دادن به خواست های فوری مردم، حتا در ابعاد کوچک آن، اعتماد به نفس مبارزاتی توده ها را افزایش داده و یقیناً تاثیر بسزائی در تغییر توازن قوا به نفع توده ها و نیروهای انقلاب بر جای می گذارد.

سازماندهی اعتصابات عمومی در عرصه های مختلف اجتماعی آنهم با طرح مطالبات آنی اقتصادی- سیاسی معین، یکی از راه های موثر کسب پیروزی های فوری هرچند کوچک در امر تحقق برتری نیروی مبارزاتی توده های زحمتکش بر رژیم جمهوری اسلامی است. در شرایط کنونی، تحقق این امر و دست یابی به پیروزی های فوری در گسترش و تعمیق مبارزات کارگران و توده های مردم ایران آنچنان حائز اهمیت است که جنایتکاران حاکم بر ایران نیز به اهمیت این موضوع کاملاً واقف هستند. لذا، تمام توان و نیروی سرکوب خود را بر آن گذاشته اند تا راه را بر این گونه تلاشها و اعتصابات مسدود ساخته و از تحقق آن حتا در ابعاد بسیار کوچک نیز جلوگیری به عمل آورند.

هم اکنون در تعداد زیادی از کارخانه ها و مؤسسات تولیدی اعتراضات و اعتصابات پراکنده کارگری جریان دارد. اعتصاب ۳۰۰ تن از کارگران لاستیک البرز (کیان تایر سابق) همزمان با حضور خیابانی مردم در روز ۲۵ بهمن، اعتصاب ۱۸۰۰ تن از کارگران پتروشیمی تبریز که از تاریخ هفتم اسفند شروع شد و تا ده روز نیز ادامه داشت،

اعتصاب چهار روزه کارگران کارخانه پارسیلون خرم آباد در هفته اول اسفندماه و نیز اعتصابات کارگری در آبادان، کرمانشاه، رشت، اهواز، اصفهان و شیراز طی دوماه گذشته، نمونه های بارزی از اعتصابات پراکنده کارگری در همین دوره کنونی است. اینگونه اعتصابات کارگری با همه اهمیتی که دارند به لحاظ پراکندگی و عدم پیوند با دیگر کانون های اعتصابی، فاقد تاثیرگذاری لازم بر تحولات سیاسی جاری جامعه هستند. هم اکنون توده های ملیونی مردم ایران، از کارگران گرفته تا دانشجویان، زنان، معلمان، پرستاران و دیگر گروه های اجتماعی، انبوهی از مطالبات به حق صنفی- سیاسی را پیش روی خود دارند. در مقطع کنونی و با چنین حجمی از مطالبات، سازماندهی اعتصابات عمومی در عرصه های مختلف اجتماعی، موثرترین حرکت سازمان یافته گروه های اجتماعی در امر یاری رساندن به اعتراضات خیابانی جوانان و توده های مردم ایران برای سرعت بخشیدن به روند سرنگونی جمهوری اسلامی است.